

## یادداشت هفته : حس ششم

هرچه که می گذرد ، بر شتاب تحولات مسائل مربوط به ایران ، افزوده می گردد . حس ششم من می گوید که نقطه تعیین تکلیف رژیم سیاسی ایران بسیار نزدیک شده است. اینرا بیشتر از همه رژیم شترگاوپلنگ حاکم بر آن " مرز پر گهر " دریافته است که هم اطلاعاتش و هم ارتباطاتش از من و ما بیشتر است و هم حس ششمش بدلیل اتصال به منبع وحی قویتر عمل می کند ! از همان نقطه ای که " خامنه ای " تصمیم به تک پایه کردن رژیمش گرفت و حکم پایان خدمت حماسه ! گران ۲ خرداد را همراه با سردار سازندگی ! یکجا کف دستشان گذاشت ، معلوم بود که جانشین خلف خمینی ، خط را تا به آخر گرفته است .

بعد هم با طرح و نقشه مشخص و در مقابل چشمان حیرت زده ناظران و تحلیلگران مجربی ! که ابتدا به ساکن درآمدن محتوم رفسنجانی از میان صندوقهای رای را ، پیش بینی که چه عرض کنم ، پیشگویی کرده بودند و حالا هم در بلاهت آشکار رئیس جمهور مکتبی رژیم تردیدی به خود راه نمی دهند ، به پیاده کردن " استراتژی بسط " خود آنها در " عمق استراتژیک " دشمن مشغول است .

این استراتژی اگرچه ظاهرا تماما تهاجمی است اما خصلت تدافعی دارد . یعنی تصور ولایت فقیه این است که با صدور و مدیریت بحران در خارج از مرزهای خودی ، مسئله تعیین تکلیف رژیم سیاسی خود را تا انتخابات آینده ریاست جمهوری آمریکا به تعویق بیندازد . به همین دلیل هم ضمن آنکه صحنه نبرد نظامی را به عراق کشانده و با تمام قوا تلاش می کند که پای آمریکایی ها را تا کمر در باتلاق عراق نگه دارد از سوی دیگر در دو بعد " جنگ روانی " و سوزاندن امکان تبدیل آلترناتیو فعلا موجود به آلترناتیو بعدا مطلوب ، سخت مشغول بسیج نیروی است و در این راستا حاضر به صرف نظر کردن از هیچ امکان و موقعیتی هم نیست .

تا آنجا که به عراق برمی گردد ، روند تحولات سیاسی در این کشور ، اگر نتوان گفت که سرنوشت رژیم " جمهوری اسلامی " را رقم خواهد زد با این حال بی هیچ تردیدی تاثیرات آن در آینده رژیم مذکور تعیین کننده خواهند بود .

از سوی دیگر در زمینه جنگ گسترده روانی ، رئیس جمهور مکتبی رژیم سوار بر امواج جهل و خرافه نسبت به مقوله " امام زمان " در داخل و نفرت به حق مردم منطقه نسبت به " اسرائیل " در خیابانهای خاورمیانه عربی و شمال آفریقا ، به بسیج نیروی دست یازیده است .

این رژیم اگرچه رژیمی است نا متعارف اما برخلاف تصور بسیاری از کوتوله های صحنه سیاسی ایران ، اصلا رژیمی احمق و نادان نیست ! آنان بخوبی می دانند که در شرایط مشخص سیاسی و اوضاع و احوالی که بر جهان کنونی حاکم است ، بدون اصلاح سرشان ، ادامه حیاتشان ممکن نیست . این را هم باز بخوبی می دانند که هر تیغی که برای اصلاح بکار گرفته شود ، سر نظام مقدس را نیز با موهایش روانه زباله دان تاریخ خواهد کرد . بنابراین یک راه فرار بیشتر موجود نیست . فرار به جلو ! رژیم " جمهوری اسلامی " به جای خودکشی ، مرگ با عزت ! را برگزیده است .

طرح ضرورت پاک سازی اسرائیل از روی نقشه جغرافیا و همزمان تهیه مقدمات ظهور آقا " امام زمان " تا دو سال دیگر که تصادفا مصادف با انتخابات آمریکا نیز هست ! اصلا و ابدا از روی نابخردی و یا ناپختگی سیاسی و یا ناآگاهی رژیم " جمهوری اسلامی " نسبت به عواقب این موضع گیریها در داخل و خارج کشور نیست . اگر کسی چنین می انگارد اصلا نظام مقدس را نشناخته است .

این موج سواری دوگانه برای حفظ نظام الهی از نان شب هم واجبتر است . " ولایت مطلقه فقیه " آگاه است آنچه که در دفاع از موجودیت خود در مقابل دشمن خارجی می تواند بکار اندازد سلاح گرم نیست . حتی دستیابی محال به تسلیحات اتمی هم نیست !

حاکمیت بر خیابانهاست که می تواند در صورت موفقیت ، در داخل فتیله تهدید قیام توده ای را پایین کشیده و در خارج تعادل نظامهای وابسته به آمریکا را به چالش بگیرد .

تعبیر نیافتن خواب " جمهوری اسلامی " در داخل کشور بدلیل عمق نفرتی که توده های مردم ایران نسبت به رژیم تازیانه و دار دارند، نیازی به تحلیل تئوریک ندارد. این را خود رژیم هم می داند. کارکرد مقوله " امام زمان " در داخل فقط یک چیز است. انگیزه دادن به نیروهای خودی و ایدئولوژیک کردن نبرد نهایی برسر موجودیت رژیم در تمامیت آن. ولایت فقیه در ماه های آتی تنها می تواند که بر روی نیروهای خلص ایدئولوژیک نوب شده در ولایت خود حساب باز کند و لاغیر!

و اما مهم ترین عنصری که بیش از هر چیز دیگری بر طول عمر یک رژیم استبدادی می افزاید، فقدان " آلترناتیو " و جانشین در دسترس است. این راهم " جمهوری اسلامی " بهتر از هر کسی می داند. به همین دلیل هم هست که درکنار " خمینی کار " هایش در زمینه هر چه پراکنده تر کردن بخش پراکنده اپوزیسیون حراف خود، با تمام قوا دست اندر کار شقه کردن و به انفعال کشاندن تنها بخش سازمان یافته اپوزیسیون مذکور یعنی " سازمان مجاهدین خلق " و آلترناتیو فعلا موجود آن یعنی " شورای ملی مقاومت " می باشد.

در اینجا است که به ناگهان دژخیمانی که نوجوانان بی گناه هوادر را صد صد و هزار هزار تنها به جرم! پخش اعلامیه های سازمان مذکور به چوبه دار سپرده و بر تخت شکنجه خوابانده و یا سالهای متمادی در زندان نگه داشته بودند، شلاق و دار و درفش را به کناری نهاده و گله گله " اعضاء و مسئولان سابق " جریان مربوطه را با سلام و صلوات به خارج صادر می کنند و برای خارج کشوری هایشان نیز فرش قرمز در داخل پهن می کنند.

اینجاست که من و ما باید به خود ببالیم که چنین دشمن پیچیده ای داریم و هنوز فریاد سرنگونی قهرآمیز تام و تمام نظام پلیدش را بر گلو داریم.

### **مبارزه با دشمنی خرد و ضعیف را فضیلتی چندان نیست!**

حرص و ولع رژیم پا بگور در پاشاندن و به انفعال کشاندن بدنه مقاومت سازمان یافته چنان سیری ناپذیر است که حاضر است کسانی را هم که ظاهرا خطر سرخهای نظام را نیز درنور دیده اند، از زندان رها کرده و به بازی گیرد.

آبانماه گذشته نامه ای از " حشمت الله طبرزدی " از درون زندان و تحت عنوان " پیشنهاد به مجاهدین خلق " منتشر می شود که نگارنده ضمن اشاره به ۲۲ سال محکومیت خود ( ۱۲ سال زندان و ۱۰ سال محرومیت اجتماعی ) انگیزه خود را از این نامه نگاری نابهنگام چنین توضیح می دهد:

شاید بیشترین انگیزه من برای نوشتن این مقاله، ارتباط نزدیک با اعضا یا هواداران زندانی این سازمان و احساس مشترک برای آزادی و نیز ابراز همدردی انسانی باشد. برای اینکه از نزدیک شاهد هستم که این افراد برای سالهای طولانی، بدون اینکه حتی یک اقدام مهم انجام داده باشند، صرفا به جرم پخش اعلامیه یا هواداری از آن سازمان در زندان بوده اند. برای نمونه میتوانم از ((صادق سیستانی)) یاد کنم که خوشبختانه چند روز پیش آزادی او را جشن گرفتیم. او به جرم پخش اعلامیه سازمان مجاهدین خلق ۱۶ سال در زندان بود. یا حسین حیدری که سال گذشته آزاد شد و با همین اتهامات مدت ۱۲ سال زندانی بود و از این نمونه ها فراوان است.

#### **تاکیدات از من است**

اینکه منظور امید تازه امام و امت از اعضاء و هوادارانی که با او ارتباط نزدیک و احساس مشترک دارند، چه کسانی هستند و از چه قماشیند را نیازی به گمانه زدن نیست، زندانی سیاسی نظام، خود در چند سطر بعد از یک طیف دیگری سخن به میان می آورد که ظاهرا دیگر نه ارتباط دوستانه ای با او دارند و نه احساس مشترکی! دقت کنید:

من خود از نزدیک شاهد هستم که هواداران زندانی مجاهدین خلق بشدت تمامیت خواه هستند و به جز خود و رهبران خود، هیچ گروه و فرد دیگری را به رسمیت نمیشناسند. این منش چنانچه پیروز بشود و در مصدر حکومت قرار بگیرد بسیار خطرناک تر از آخوندهای حاکم بر ایران خواهد بود.

#### **تاکیدات از من است**

قصد وارد شدن به محتوای نامه را ندارم. چرا که هر آنکه اندک آشنایی با ادبیات رژیم و کدهای مورد علاقه اش که کلید بازکننده باب مذاکره و مراوده با او بوده و هست، داشته باشد بخوبی شیر فهم می شود که منظور "طبرزدی" از کدهای مورد استفاده اش در نامه مذکور نظیر "ترور رهبران منتخب"، "همکاری با دشمن" و "سرکوب و کشتار اکراد عراقی" و ..... چه بوده و چه چیز را، به چه کس یا کسانی پیغام! می کند.

پاسخ "جمهوری اسلامی" زیاد به درازا نمی کشد! به خبر زیر دقت کنید:

### حکم ۱۴ سال حبس حشمت الله طبرزدی شکست

بر اساس رای صادره از سوی شعبه هفتم دیوان عالی کشور حکم ۱۰ سال حبس تعزیری حشمت الله طبرزدی برای اتهام تشکیل جبهه دمکراتیک ایران شکسته شد و به ۵ سال حبس کاهش یافت. حکم قبلی از سوی شعبه ی ۲۶ دادگاه انقلاب صادر شده بود که با اعتراض علی اکبر بهمنش (وکیل مدافع حشمت الله طبرزدی) این پرونده به دادگاه تجدید نظر ارجاع گردید.

### بدون شرح!

در پایان یک توصیه دوستانه! برای "حشمت الله طبرزدی" و تمامی آنانی که قصد اصلاح و براه آوردن مجاهدین را دارند و معتقدند که:

به نظر میرسد اگر بدنه این سازمان با اتخاذ استراتژی مبارزه سیاسی به جای مبارزه مسلحانه و با کنار گذاشتن برخی رهبران ارشد ((کادر رهبری)) و ارایه يك نقد صادقانه درباره عملکرد ایدئولوژی و تاکتیک ها و استراتژی های گذشته، به بازسازی بپردازند، کمک بزرگی به خود و مبارزه ملت ایران کرده است.

اگر قصد تاثیر گذاری بر بدنه مجاهدین را دارید، شعار مبارزه سیاسی به جای مبارزه مسلحانه با رژیم را که به گفته خودتان پاسخ یک اعلامیه پخش کردن ساده را با ۱۶ سال زندان می دهد را به میان نیاورید! به غیر از این فقط مشت خالی خود را باز می کنید. به غیر از این تنها عرض خود می برید و زحمت ما می دارید!

بیژن نیابتی ۲۷ دیماه ۱۳۸۴